Archive of SID.ir

نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
دوره ۲۰، بهـار ۱۴۰۲، شماره ۷۲
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۹۲ ـ ۶۹

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 20, Spring 2023, No. 72
Scientific Research Article

شاخص‌های الگوی مطلوب عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه امام خمینی﵀ و مقام معظم رهبری

علی محمدی ضیاء*

چکیده

عدالت یکی از اصلی‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. برای تحقق این مهم در جامعه داشتن الگویی مطلوب از عدالت سیاسی که قابلیت تحقق خارجی داشته باشد، امری ضروری است. (بیان مسئله) به همین منظور پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و بهره‌گیری از چارچوب نظری علل اربعه (روش) در قالب علل مادی و صوری با برداشت از بیانات امام خمینی﵀ و مقام معظم رهبری به ارائه شاخص‌های الگوی مطلوب از عدالت سیاسی می‌پردازد. (هدف) یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که الگوی مطلوب عدالت سیاسی مبتنی بر سه شاخص برابری، شایستگی و بیشینه کردن آن دو بوده و در صدد تحقق شاخص برابری در حق تعیین سرنوشت، در ارتباط با قانون، برخورداری همگان از امنیت سیاسی و آزادی‌های سیاسی می‌باشد. همچنین شاخص شایستگی به دنبال تحقق حاکمیت شایسته، توجه به شایستگی در مقام وضع قانون و در نهایت شاخص بیشینه کردن برابری و شایستگی در صدد بهره‌مندی بیشترین تعداد به نسبت شایسته‌ترین افراد جامعه از مزیت‌های سیاسی ـ اجتماعی می‌باشد. (یافته‌ها)

واژگان کلیدی

شاخص، الگوی مطلوب، عدالت سیاسی، جمهوری اسلامی، امام خمینی﵀، مقام معظم رهبری.

---

*. استادیار انقلاب اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان. amohamadi19@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران تحقق عدالت و ابعاد مختلف آن ازجمله عدالت سیاسی را مبتنی بر تعالیم و آموزه‌های اسلام هدف اصلی خود تلقی کرده است. همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز برقراری عدالت به‌عنوان اصلی‌ترین هدف[۵] مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه در این میان از اهمیت برخوردار بوده و به تحقق عدالت سیاسی در جامعه کمک می‌کند، شناخت و فهم درست از این مفهوم است. ازاین‌رو ارائه شاخص‌های عدالت سیاسی گامی مهم در این راستا تلقی شده و از سویی ترسیم الگویی از ابعاد مختلف آن به‌عنوان چشم‌اندازی روشن در پیش روی مسئولان نظام در تحقق عدالت سیاسی تلقی می‌شود.

درجهت تحقق این مهم، پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش که «شاخص‌های الگوی مطلوب عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران چیست»؟ این فرضیه را مطرح می‌کند که الگوی مطلوب عدالت سیاسی مبتنی بر سه شاخص «برابری، شایستگی و بیشینه کردن آن دو» بوده و این سه شاخص «اصل حاکمیت، حق تعیین سرنوشت، برخورداری از مزیت‌های سیاسی ـ اجتماعی» اعم از مناصب سیاسی، امکانات، منابع و فرصت‌ها، وضع، اجراء و نظارت بر قانون، امنیت سیاسی و آزادی‌های سیاسی را به شکلی عادلانه سامان می‌بخشند.

نبایستی از نظر دور داشت تحقیقات متعدد و هرچند محدودی در حوزه عدالت سیاسی انجام شده که از آن جمله می‌توان به کتاب ***درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام*** (۱۳۸۸) نوشته علی‌اکبر علیخانی و همکاران اشاره کرد. این کتاب که به دست نویسندگان مختلف در قالب مجموعه‌مقالات گردآوری شده بیان آراء و اندیشه‌های مختلف نویسندگان درباره مقوله عدالت آن‌هم نه بُعد سیاسی آن است و برخلاف پژوهش حاضر بیشتر به مباحث نظری صرف پرداخته و الگویی منسجم و قابل تحقق در عالم واقع از عدالت سیاسی ارائه نمی‌کند. در کتاب ***عدالت سیاسی در قرآن کریم*** (۱۳۹۷) نوشته سید کاظم سیدباقری نیز نگاه نویسنده به مقوله عدالت سیاسی غیر فراگیر بوده و تمامی ابعاد آن را شامل نمی‌شود. این در حالی است که پژوهش حاضر می‌کوشد از عدالت سیاسی یک الگوی فراگیر ارائه نماید.

همچنین درباره عدالت سیاسی مقالاتی چون «***مفهوم و شاخصه‌های عدالت سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی***ﷺ» نوشته محمدحسین جمشیدی و مسعود درودی، «***شاخص‌های عدالت سیاسی***» نوشته محمدجواد نوروزی، «***شاخص‌های عدالت سیاسی و راهکارهای آن***» نوشته سید جواد امام‌جمعه‌زاده و جمیل میلانی، «***معیارهای عدالت سیاسی از دیدگاه اسلام***» نوشته محمد شجاعیان، «***راهکارهای عدالت سیاسی از دیدگاه قرآن کریم***» نوشته سید کاظم سیدباقری، «***عدالت و سیاست***»

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نوشته نجف لک‌زایی، «***گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی***» نوشته محمدرحیم عیوضی، «***عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی ـ فقاهتی***» نوشته منصور میراحمدی و اکرم شیری، «***درآمدی بر شاخص‌های عدالت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی ـ پیشرفت***» نوشته محمدتقی کریمی، «***عدالت سیاسی از منظر قرآن و راویات: تأملی در برابری سیاسی***» نوشته محمود شفیعی، «***عدالت سیاسی و اجتماعی در سه رهیافت فقهی، فلسفی و جامعه‌شناختی***» نوشته ناصر جمالزاده نوشته شده که هرکدام به وجوهی از عدالت سیاسی می‌پردازند. اما به‌دلیل محدودیت حجم مقاله در بررسی تمامی این پژوهش‌ها در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که این مقالات به شکلی ناقص و ناتمام عدالت سیاسی را مورد بررسی قرار داده و از مفهوم عدالت سیاسی دیدگاهی با قابلیت تحقق در جامعه ارائه نمی‌کنند.

این در حالی است که مقاله حاضر برخلاف پژوهش‌های انجام شده درباره عدالت سیاسی با رویکردی اسلامی به‌دنبال ارائه شاخص‌های الگوی مطلوب از عدالت سیاسی با قابلیت تحقق در جمهوری اسلامی ایران است و در این راستا تلاش می‌کند با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی در چارچوب نظری، علل اربعه و در راستای تبیین علل مادی و صوری با برداشت از بیانات امام خمینی﵀ به‌عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی و همچنین سخنان مقام معظم رهبری ابعاد این الگو را بیان کرده و در قالب تصویر شکلی در قالب ترسیم یک نمودار در پایان مقاله به معرفی آن بپردازد. نباید فراموش کرد که این موضوع گامی مهم در مسیر تحقق عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی تلقی شده و به مسئولان و مجریان آن در این مسیر کمک شایانی خواهد کرد.

یک. مبانی نظری و مفاهیم

۱. چارچوب نظری (علل اربعه)

یکی از چارچوب‌های نظری مورد استفاده در تبیین مفاهیم مختلف میان فلاسفه، بهره‌گیری از علل اربعه است که در این روش از چهار علت فاعلی، غایی، مادی و صوری سخن به میان می‌آید. (مگی، ۱۳۹۰: ۷۵) مبتنی بر این چارچوب نظری در توضیح این علل چهارگانه پیرامون مفهوم عدالت و وجوه مختلف آن ازجمله عدالت سیاسی باید گفت که براساس آیه صریح قرآن کریم «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵) حکومت اسلامی فاعل و مجری تحقق عدالت در جامعه تلقی می‌شود. همچنین مطابق با آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰) و آیه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه / ۸) هدف نهایی از تحقق عدالت و به تبع آن عدالت سیاسی، انجام دستور خداوند و کسب رضایت و تقرب به خداوند معرفی شده است.

در این راستا آنچه که جای بحث دارد علت مادی و صوری است؛ چراکه آنچه در شکل‌گیری ذات و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ماهیت یک مفهوم مؤثر است تنها علت مادی و صوری است. ازاین‌رو در تعریف و شناسایی یک مفهوم تنها این دو علت به‌کار می‌آیند. (سالم، ۱۳۹۲: ۹۱) در بیان دیگر علت دو گونه است: علت تامه و علت ناقصه. علت ناقصه از دو حال بیرون نیست، یا داخل در معلول است یا خارج از آن. وقتی علت داخل در معلول باشد نیز دو حال دارد، یا معلول به آن بالفعل است که علت صوری نامیده می‌شود یا اینکه معلول به آن بالقوه است که علت مادی نامیده می‌شود. (ملکشاهی، ۱۳۸۵: ۱ / ۲۵۵) براساس این چارچوب نظری مقاله حاضر به دنبال بیان عناصری است که علت درونی عدالت سیاسی بوده و علت مادی برآمده از علل اربعه، عناصر بالقوه آن را تشکیل می‌دهد. از سویی، مبتنی بر علل اربعه در قالب علت صوری به دنبال ترسیم فعلیت‌یافته مفهوم عدالت سیاسی در عالم خارج است. از سویی، دلیل اصلی انتخاب این چارچوب نظری، ظرفیت آن در پوشش موضوع مقاله است، به‌گونه‌ای‌که دو موضوع شاخص‌های عدالت سیاسی را ناظر به علت مادی و موضوع ارائه الگوی عدالت سیاسی را ناظر به علت صوری تبیین می‌کند. همچنین ترکیب علت مادی و صوری به مفهوم عدالت سیاسی تعیّن خارجی می‌بخشد و آن را در جامعه محقق می‌سازد.

از نظر فلاسفه، علت صوری به سه شکل «جسمانی، روحانی و معقول» تقسیم می‌شود. (ابن‌باجه، ۱۹۹۱: ۵۸) در این پژوهش مراد از علت صوری همان صورت عام و معقولات کلی است. از سویی، ماده و صورت از نظر ماهوی دارای انفکاک هستند ولی از نظر وجود در عالم خارج، همواره با هم در نظر گرفته می‌شوند. به بیان دیگر، ماده جدای از صورت، وجود خارجی پیدا نمی‌کند و عدم جمع آن‌دو در یک شی ـ به تعبیر فلاسفه ـ امری محال است. (ابن‌باجه، ۱۹۶۰: ۶۳) با این تعبیر هرجا که ما سخن از تحقق خارجی عدالت سیاسی می‌گوییم درواقع شاخص‌های آن نیز به شکلی ضروری در آن صورت خارجی محقق شده است.

۲. مفهوم الگو

الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی است. به عبارت دیگر الگو به‌منظور ایجاد سادگی و فهم آسان واقعیت از طریق تنظیم عناصر و وارد کردن نظم میان آنهاست. به همین منظور ایجاد یک طرح منطقی به شکل یک پیکره از روابطی که میان عناصر یک سیستم وجود دارد را می‌توان در قالب یک الگو بیان کرد. (مندراس، ۱۳۴۹: ۲۱۰) در میان انواع الگوها، پژوهش حاضر مبتنی بر الگوی صوری مباحث خود را سامان بخشیده است. این الگو، یک ساخت نهادی و منطقی ساده است که به شکل ذهنی ایجاد شده و دارای ویژگی‌های ساختی است که در واقعیت خارجی وجود دارد. الگوی صوری برخلاف الگوی مادی درصدد تشبیه نیست و برای درک یک پدیده اجتماعی به مقایسه آن با پدیده‌ای از نوع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دیگر متوسل نمی‌شود. الگوی صوری به عبارت دیگر بازسازی واقعیت در ذهن است و در این راستا از واقعیت موجود و برخی ویژگی‌های آن اخذ شده و به وسیله علایم و مفاهیم، نشان داده می‌شود و از این طریق تفسیر و تبیین منطقی واقعیت حاصل می‌شود. (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۴۳) بر این اساس تلاش شده مبتنی بر این رویکرد از الگو شکل ساده و قابل فهمی از ابعاد عدالت سیاسی در قالب یک نمودار شکلی ترسیم شده و به تبیین ابعاد مختلف آن کمک کند.

۳. مفهوم عدالت سیاسی

پیش از آنکه درباره مفهوم عدالت سیاسی سخن بگوییم، ضروری است مفهوم عدالت و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته و مبتنی بر فهم آن، به عدالت سیاسی پرداخته شود.

در بررسی مفهوم عدالت در اندیشه متفکران مغرب‌زمین، ارسطو در بحث از عدالت به اصل مشهور «حد وسط» اشاره کرده و معتقد است که عدالت را می‌توان به منزله یک حد وسط تلقی کرد. (Aristotle,1973: 145 - 146) در دوران معاصر نیز جان رالز با طرح نظریه «عدالت به مثابه انصاف» انقلابی در عرصه عدالت در جهان غرب ایجاد کرد و موجب شد نگاه‌ها به‌سوی نظریه او جلب شود. رالز با پذیرش وجود نابرابری در جامعه تلاش کرد توضیح دهد آنچه در شرایط مناسب مورد توافق همه افراد ذی‌نفع باشد می‌تواند ملاک و معیار قطعی عدالت قرار بگیرد. (Rawls,1999: 119) بر همین مبنا رالز عدالت را به‌معنای حذف تمایزهای دلخواهانه و تأسیس سهم مناسب، توازن یا تعادل میان دعاوی متعارض در درون ساختار یک رویه تعریف کرد. (Ibid: 191)

در ارزیابی تعریف جان رالز هرچند نگاه او به عدالت نسبت به دیگر اندیشمندان غربی نگاهی دقیق‌تر است اما درون خود با تعارضات جدی مواجه است، طرح مفهوم توافق ذی‌نفعان که خود کلافی سردرگم در میان خواسته‌های متعدد و متعارض ذی‌نفعان تلقی شده و ازسویی خود مفهوم ذی‌نفعان، امری مبهم و اول دعوا در تحقق عدالت در جامعه است.

از نگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی نگاه به مقوله عدالت تا حدودی متفاوت از آن چیزی است که در غرب گذشته است. فارابی برای نخستین‌بار در فلسفه اسلامی از تقسیم عادلانه منافع و خیرات عمومی همچون امنیت، سلامت و کرامت سخن گفته و عدالت را تقسیم خیرات و خوبی‌هایی مشترک بین اهل مدینه فاضله تعریف می‌کند. (فارابی، ۱۹۶۱ م: ۱۴۲ ـ ۱۴۱) ابن‌سینا نیز عدالت را به‌معنای برابری مطلق نمی‌داند و به‌جای آن به تفاوت و تعاون در بین انسان‌ها اعتقاد دارد. (ابن‌سینا، ۱۴۳۰ ق: ۲) در میان متفکران اسلامی معاصر، علامه طباطبایی معنای اصلی عدالت را اقامه مساوات میان امور می‌داند به‌طوری‌که به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود و هریک در جای واقعی خود ـ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

که مستحق آن است ـ قرار گیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۱ م: ۱۲ /۳۳۱) استاد مطهری نیز عدالت را «اعطاء کل ذی حق حقه» تعریف می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۶)

در ارزیابی این تعاریف هرچند طرح مفهومی چون شایستگی در تحقق عدالت و تمایز میان برابری و عدالت امری قابل تحسین است اما تقلیل مفهوم عامی چون عدالت به تقسیم خیرات، نوعی تعریف ناقص از عدالت بوده و از سویی سخن از مفاهیمی چون مساوات و استحقاق، تعریفی ناتمام از مفهوم عدالت است و از ابهام آن نیز نمی‌کاهد.

کلام امیرمؤمنان علی‌ﷺ که فرمود: «العدل یضع الامور مواضعها؛ عدل هرچیزی را در جایگاه خود قرار می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۲ /۳۵۰) هرچند تعریفی مطلوب از عدالت است، اما ابهامْ مهم‌ترین ویژگی آن است که در نهایت تحقق عدالت در خارج را با مانع مواجه می‌سازد. برای رفع این ابهام و تعیین مواضع امور ضروری است که مبتنی بر چارچوب نظری بحث و در راستای بیان علت مادی عدالت، از عناصری سخن گفت که علاوه برآنکه علت درونی عدالت باشند از ویژگی بالقوه نیز برخوردار باشند. در راستای شناخت این عناصر فارابی پس از آنکه عدل را تقسیم خیرات مشترک و عمومی متعلّق به همه اهل جامعه بین آنها تعبیر می‌کند، معتقد است که این تقسیم براساس دو معیار «مساویاً لاستهاله» برابری و اهلیّت (شایستگی) بایستی صورت پذیرد. (فارابی، ۱۹۸۶ م: ۱۴۲ ـ ۷۱) او دیگر از مکانیسم جمع میان این‌دو شاخص سخنی به میان نمی‌آورد.

حضرت علی‌ﷺ در عهدنامه مالک اشتر نیز با اشاره به شاخص برابری در برخی امور، امتیازخواهی در آن را به‌عنوان اقدامی ظالمانه نهی کرده و دراین‌باره می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ الِاسْتِئْثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ؛ مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی‌خواهی». (سید رضی، ۱۳۸۵: ۵۹۱) حضرت همچنین در جای‌جای این نامه به شاخص شایستگی اشاره کرده است، ایشان در تعیین فرمانده سپاه، قاضی، کارگزار دولت، نویسندگان و منشیان با بیان مؤلفه‌های شایستگی، مالک اشتر را به انتخاب افراد شایسته در این مناصب توصیه نموده است، برای نمونه در تعیین فرمانده سپاه می‌فرماید:

> وَلِّ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِإِمَامِكَ وَ أَنْقَاهُمْ جَيْباً وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْماً مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْغَضَبِ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُذْرِ وَ يَرْأَفُ بِالضُّعَفَاءِ وَ يَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَ مِمَّنْ لَا يُثِيرُهُ الْعُنْفُ وَ لَا يَقْعُدُ بِهِ الضَّعْفُ. (سید رضي، ۱۳۸۵: ۵۷۵)
>
> برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبرﷺ و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در کنار دو شاخص «برابری و شایستگی»، شاخص دیگری تحت عنوان «بیشینه کردن برابری و شایستگی» مطرح می‌شود. این شاخص که درصدد جمع کردن دو مؤلفه برابری و شایستگی در عدالت است، مبتنی بر آن، بیشترین تعداد از شایسته‌ترین افراد جامعه از مزیّت‌های جامعه برخوردار می‌شوند. در یک نتیجه‌گیری کلی جمع میان این سه شاخص در تعریف عدالت برپایه علت مادی آن، علاوه بر قابلیت تحقق خارجی، به جهت گستره دایره شمولِ ابعاد مختلف عدالت، این شاخص‌ها جامع جهات و مانع اغیار می‌باشند. به‌طوری‌که به‌عنوان یک ویژگی مهم در این تعریف، پیوند این سه شاخص در تحقق عدالت، تعاریف و برداشت‌هایی چون تکافی، تناسب، استحقاق و اموری از این قبیل را در خود جای داده، ضمن تحقق ابعاد مثبت این مفاهیم، جهات منفی آن را نیز دربرنمی‌گیرد.

پس از روشن شدن مفهوم عدالت، در بیان عدالت سیاسی، برخی متفکرین آن را دستیابی همه انسان‌ها به بلوغ و کمال و برابری آنها در برابر قانون دانسته‌اند. به عبارت دیگر، عدالت سیاسی آن است که قانون، افراد را به یک چشم ببیند. (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸ الف: ص۲۱۰) در همین راستا محقق نائینی عدالت سیاسی را مساوات و برابری انسان‌ها در برابر حکومت معنا می‌کند و از آن به مساوات آحاد ملت با همدیگر و با شخص والی در جمیع نوعیات تعبیر کرده و معتقد است مبتنی بر عدالت سیاسی هر حکم و قانونی نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت بایستی اجراء شود. (نائینی، ۱۳۶۱: ۶۹ ـ ۶۸) همچنین برخی عدالت سیاسی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: مجموعه‌ای قواعد متناسب و هدفمند برآمده از عقل و دانش و مبتنی بر برابری انسان، برای تدبیر امور جامعه به بهترین نحو ممکن در هر شرایط، به‌گونه‌ای‌که تصمیم‌گیرنده راضی شود جای خود را با افراد مورد تصمیم عوض کند. (علیخانی، ۱۳۸۲: ۷۸) برخی نیز نظریه عدالت توافقی و مبتنی بر رضایت را مطرح کرده‌اند. به‌طوری‌که رضایت عمومی شاخص سنجش عدالت در هر نظام سیاسی می‌باشد. (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸ ب: ۱۶ و ۳۴)

در جمع‌بندی تعاریف بیان شده از عدالت سیاسی باید گفت این تعاریف جامعیت لازم را نداشته و مبتنی بر فهم ناتمام از مفهوم عدالت سیاسی، نسبت میان دو مفهوم عدالت و سیاست و دایره شمول و فراگیری عدالت سیاسی را به خوبی بیان نکرده، در نتیجه تعریفی جامع و مانع از عدالت سیاسی ارائه نکرده‌اند. اما در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت منظور از عدالت سیاسی آن است که اصل حاکمیت نظام سیاسی به همراه قوانین و رویّه‌های حاکم بر امور آن و ازسویی تصمیمات مسئولان نظام سیاسی مبتنی بر شاخصه‌های برابری و شایستگی و بیشینه کردن آن دو، زندگی سیاسی مردم را سامان ببخشد.

در این تعریف از عدالت سیاسی سه مؤلفه برابری، شایستگی و بیشینه کردن آن دو، شاکله آن را تشکیل داده و نقطه اشتراک آن با دیگر انواع از عدالت است. این سه شاخص به مفهوم عدالت و به تبع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

آن عدالت سیاسی ـ برخلاف تعاریف و شاخص‌های دیگر ـ امکان تحقق آن را در عالم واقع داده و تمامی ابعاد عدالت و شاخص‌های دیگر ازقبیل تناسب، توازن و استحقاق را شامل می‌شود. از سویی، این شاخص‌ها در پیوند با اصل حاکمیت، قوانین، رویّه‌ها و تصمیمات مسئولان، ابعاد مختلف موضوعات سیاسی را مبتنی بر اقتضائاتش سامان می‌بخشد و مفهوم عدالت سیاسی را از دیگر انواع عدالت متمایز می‌کند.

دو. شاخص‌های الگوی مطلوب عدالت سیاسی

الگوی مطلوب عدالت سیاسی در پی ترسیم شکل فعلیت‌یافته شاخص‌های عدالت سیاسی در عالم خارج است. این الگو در راستای چارچوب نظری به‌عنوان علت صوری مفهوم عدالت سیاسی در ترکیب و پیوند با شاخص‌های سه‌گانه برابری، شایستگی و بیشینه کردن آن دو، به‌عنوان علت مادی این مفهوم با توجه به نظریه حکمایی چون فارابی استخراج شده و در راستای این شاخص‌های کلی، شاخص‌های جزئی‌تر عدالت سیاسی به شکل استقرایی با هدف پوشش تمام ابعاد آن در جامعه احصاء شده و به عدالت سیاسی تعیّن خارجی می‌بخشد و آن را در جامعه محقق می‌سازد. ازآنجاکه مفهوم عدالت سیاسی از جنس معقولات است، سخن از علت صوری آن همان صورت عام و معقولات کلی است. از سویی به‌دلیل عدم انفکاک ماهوی علت مادی و صوری هرکجا صورتی از عدالت سیاسی تحقق یابد، به ضرورت عقلی شاخص‌های شکل‌دهنده آن نیز در آن صورت خارجی، محقق شده است.

۱. شاخص برابری

یکی از شاخص‌های اصلی در تحقق مطلوبِ عدالت سیاسی، موضوع برابری است. براساس این شاخص، همه انسان‌ها ذاتاً در آفرینش و خلقت با یکدیگر برابرند و هیچ‌کس بر دیگر برتری ندارد. این برابری ذاتی در خلقت و انسانیت اقتضاء می‌کند در یک نظام سیاسی همه انسان‌ها از فرصتی برابر در برخورداری از مزیت‌های سیاسی بهره‌مند بوده و هیچ تبعیض و نابرابری حاکم نباشد. مبتنی بر همین اعتقاد امام خمینی‌رحمه‌الله به‌عنوان رهبر نظام اسلامی معتقد است که با هرچیزی که برابری را در جامعه برهم زده و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در آن حاکم می‌سازد بایستی مبارزه کرد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۳۸۸) رهبر معظم انقلاب نیز با بیان اینکه انقلاب اسلامی با شعار برابری انسان‌ها و نژادها پا به عرصه گذاشت، توانست براساس این شعارها نظامی نو سرپا کند. (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲)

در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر اصل برابری تأکید شده است. در همین راستا در اصل نوزدهم این قانون به برابری قومی مبتنی بر تساوی همه قومیت‌ها و برخورداری از حقوق مساوی تأکید شده و چنین آمده که مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد شد.

در این مجال نکته مهم آن است که سخن از برابری در عرصه عدالت سیاسی با توجه به رویکرد حاکم بر رابطه میان عدالت و سیاست و گستره وسیع عرصه سیاسی، ابعاد مختلفی را اقتضاء می‌کند که به تفکیک بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

یک. برابری در حق تعیین سرنوشت

این شاخص از عدالت سیاسی مطلوب، نظام سیاسی می‌بایست چه براساس قانون و چه براساس رویّه‌های حاکم بر آن حاکی از برابری همگان در برخورداری از حق تعیین سرنوشت باشد. بر مبنای این حقِ برابر می‌توان معیار در توزیع قدرت در نظام سیاسی را مشارکت همگانی دانست که از آن به مشارکت سیاسی تعبیر می‌شود. بر این اساس حکومتی در مقام اجراء عادل است که امکان مشارکت برابر را برای مردم در عرصه سیاسی فراهم کند. برهمین اساس مشارکت سیاسی عادلانه درواقع ایجاد فرصتی یکسان برای تمامی شهروندان در تصمیم‌گیری‌های اساسی است.

امام خمینی‌ﷺ در بیانات خود با به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت، معتقد است هر ملتی حق دارد سرنوشت خویش را خود تعیین کرده و این حق در اعلامیه حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. امامﷺ با اشاره به اینکه دیگران اجازه تعیین سرنوشت ملت ایران را ندارند بر این نکته تأکید می‌کند که الان ملت ما نیز همه ایستاده‌اند و می‌خواهند سرنوشت خودشان را تعیین کنند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳ / ۵۰۳)

بر مبنای شاخص برابری در حق تعیین سرنوشت، همه آحاد نظام سیاسی به شکلی برابر از اختیار در تعیین سرنوشت سیاسی خود برخوردارند. در همین راستا اموری ازقبیل تعیین نوع نظام سیاسی متولی اداره امور جامعه، انتخاب مسئولان و حاکمان سیاسی برای مدیریت امور نظام، اعمال مستقیم یا غیرمستقیم اراده خود در تعیین قوانین حاکم بر جامعه از طریق همه‌پرسی و یا انتخاب نمایندگان در مجلس قانون‌گذاری، اعمال نفوذ از طریق احزاب سیاسی و یا گروه‌های نفوذ در جریان سیاست‌گذاری و تدوین قوانین و رویّه‌های جاری سیاسی از ابعاد مختلف برابری در تعیین حق سرنوشت سیاسی است که می‌تواند در یک جامعه عادلانه متبلور شود.

در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی در راستای حق تعیین سرنوشت مبتنی بر اصل ششم، اداره امور کشور را با به رسمیت شناختن حق همگان متکی به آراء عمومی دانسته و انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر آن را به مردم واگذار کرده و در همین راستا حق انجام همه‌پرسی را برای مردم به رسمیت شناخته است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دو. برابری همگان در مزیّت‌های سیاسی ـ اجتماعی

این شاخص از عدالت سیاسی که در دو عرصه «دسترسی و توزیع» مزیّت‌های سیاسی ـ اجتماعی معنا پیدا می‌کند، حوزه‌های متنوعی از امکانات، منابع، فرصت‌ها، منافع، قدرت و مناصب را در جامعه شامل می‌شود. این برابری در مزیّت‌ها در نسبت‌سنجی با عدالت سیاسی و از سویی با توجه به اهمیت موضوع قدرت و توزیع آن در نظام سیاسی می‌تواند از دو منظر مورد بررسی قرار گیرد:

الف) برابری در دسترسی به مناصب و قدرت سیاسی

مبتنی بر این نگاه به موضوع برابری، نظام سیاسی موظف است برای تحقق مطلوب عدالت سیاسی، شرایط برابری را برای عموم افراد جامعه در دسترسی به مناصب و قدرت سیاسی فراهم آورد. برای تحقق این مهم در عرصه نظام سیاسی، قانون و تصمیم‌گیری حاکمان نقش مهمی را ایفا می‌کنند. از سویی سخن از برابری در دستیابی به مناصب و قدرت سیاسی در شرایطی که حاکمان و صاحبان قدرت نیز در این عرصه حضور دارند ضرورت دو چندانی پیدا می‌کند؛ چراکه در این شرایط، شاخص برابری اقتضاء می‌کند قدرت و منصب مسئولان نظام سیاسی هیچ مزیّت و تبعیضی را برای آنها در دستیابی به مناصب قدرت در جهت تداوم و یا افزایش آن ایجاد نکند. همچنین در مرحله توزیع قدرت سیاسی نیز بایستی اصل برابری همگان رعایت شده و هنگام توزیع قدرت و مناصب از سوی نظام سیاسی مبتنی بر مکانیسم‌های طراحی شده در آن اعم از قانون و تصمیم‌گیری حاکمان، هیچ‌گونه تبعیضی رخ نداده و اصل برابری مورد غفلت قرار نگیرد.

در همین راستا رهبر معظم انقلاب یکی از اهداف و خطوط اصلی نظام سیاسی را عدالت مطلق و بی‌اغماض معرفی می‌کند و عدالت در مناصب و مسئولیت‌دهی و مسئولیت‌پذیری را یکی از شاخص‌های آن عنوان می‌کند. (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۷/۲/۱۸) همچنین درباره برابری همگان در دسترسی به مناصب سیاسی، مطابق با اصل بیستم قانون اساسی، همگان از تمامی حقوق سیاسی به شکلی یکسان برخوردارند و از مصادیق بارز آن دسترسی به مناصب و قدرت سیاسی است که به شکل غیرمستقیم در این اصل مورد تأکید قرارگرفته است.

ب) برابری در برخورداری از امکانات، منابع و فرصت‌ها

این رویکرد از برابری اقتضاء می‌کند که تمامی شهروندان یک نظام سیاسی اعم از حاکمان، صاحبان منصب و قدرت سیاسی و عامّه مردم در برخورداری از امکانات، منابع و فرصت‌های موجود در جامعه یکسان باشند و هیچ کدام از شرایط ویژه‌ای بهره‌مند نبوده و تبعیضی در نظام سیاسی، حاکم نباشد. همچنین در این راستا عدالت سیاسی اقتضاء می‌کند ارتقای وضعیت افراد در موقعیت‌های سیاسی و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

برخورداری از قدرت و مناصب، هیچ مزیّت مخل برابری اجتماعی را به وجود نیاورد.

امام خمینی﵀ مبتنی بر این نگاه برابر، تنها ملاک برتری و امتیاز را در جامعه اسلامی تقوا و پاکی می‌داند و معتقد است براساس این مبنای اسلامی در چنین جامعه‌ای زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۸۱) رهبر معظم انقلاب نیز در همین ارتباط فاصله‌انداختن میان فقیر و غنی، اشراف و غیراشراف و امتیاز دادن به یک قشر خاص را با نظام جمهوری اسلامی سازگار نمی‌داند و معتقد است: هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه‌ای از نقاط اگر به یکی از این آفت‌ها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی‌خارج شده و باید اصلاح شود. (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم جیرفت، ۱۳۸۴/۲/۱۷) در همین راستا بند نهم از اصل دوم قانون اساسی نیز به صراحت دولت جمهوری اسلامی را موظف می‌کند تبعیض‌های ناروا در جامعه را از بین برده و امکانات را در تمامی زمینه‌ها ازجمله عرصه سیاسی به شکلی عادلانه برای همه اقشار جامعه فراهم سازد.

سه. برابری در ارتباط با قانون

تحقق مطلوب عدالت سیاسی اقتضاء می‌کند همگان در ارتباط با تمامی قوانین نظام سیاسی برابر بوده و هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. این شاخص از عدالت سیاسی که در سه مقام وضع، اجراء و نظارت بر قانون تحقق می‌یابد، اقتضاء می‌کند در مقام وضع قانون در مواردی که با دلایل عقلی مخالف با این برابری مواجه نیستیم قانونی عادلانه مبتنی بر برابری و تساوی همگان وضع شود. این درحالی است که در مقام اجرای قانون، عدالت اقتضاء می‌کند همه انواع از قدرت سیاسی در برابر آن مهارپذیر و منقاد بوده و در مقام نظارت نیز هیچ تبعیض و نابرابری اعمال نشود.

درواقع وضعیت مطلوب تحقق این شاخص اقتضاء می‌کند تمامی شهروندان از یک‌سو و حاکمان از سوی دیگر در مقابل قانون یکسان باشند و موقعیت سیاسی اجتماعی افراد در جامعه هیچ‌گونه امتیاز و مصونیتی را در اجرای قانون و نظارت بر آن ایجاد نکند. البته در تحقق این برابری هم چون امور گذشته نبایستی به دلایل عقلی محدودیت‌ها و موانعی در بهره‌مندی برابر انسان‌ها و از سویی پیش روی آنها در برخورداری از قانون وجود داشته باشد. به تعبیر شهید مطهری افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آنها به مساوات رفتار کند. پس افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند، قانون هم نباید با آنها مساوی رفتار کند، بلکه مطابق شرایط خودشان با آنها رفتار نماید. (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۱۲)

در همین راستا امام خمینی﵀ هدف جمهوری اسلامی را برقراری عدالت اسلامی عنوان می‌کند که از شاخص‌های آن برابری همگان در مقابل قانون است. امام﵀ دراین‌باره می‌گوید:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

> عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم، یک همچو اسلامی که در آن عدالت باشد؛ اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد؛ اسلامی که آن شخص اول با آن فرد آخر همه علی السواء در مقابل قانون باشند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۹ / ۴۲۵)

رهبر معظم انقلاب نیز معتقد است در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب‌قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ‌کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند. (بیانات رهبری در پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی‌ﷺ، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

مطابق بند چهاردهم از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی بر تساوی عموم در برابر قانون تأکید شده و دولت جمهوری اسلامی موظف است همه امکانات خود را برای تحقق این مهم به‌کار بندد. به موجب اصل بیستم نیز تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت از قانون یکسان قلمداد شده‌اند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار هستند.

چهار. برابری در برخورداری از امنیت سیاسی

برای فراهم آوردن امنیت سیاسیِ برابر در یک جامعه عدالت‌محور، می‌بایست ضوابط و معیارهایی حاکم باشد که در سایه آن همه شهروندان بتوانند از آزادی‌ها و فرصت‌های موجود در جامعه برای وصول به اهداف خویش بهره‌مند شوند و تا زمانی که مرتکب جرمی نشده‌اند، حاکمیت نبایستی این امنیت آنها را مورد خدشه قرار دهد. درواقع مراد از امنیت سیاسی اطمینان شهروندان به احقاق حقوق سیاسی آنها ازسوی نظام است. در این شرایط چنانچه افراد جامعه هنگامی‌که از امنیت شخصی، عمومی و اجتماعی‌شان از جانب نظام سیاسی اطمینان حاصل کنند، به امنیت سیاسی دست یافته‌اند.

امام خمینی‌ﷺ به‌عنوان بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی همواره حفظ امنیت و حقوق اقشار مختلف مردم را مورد توجه قرار داده و در پیشامدهای مختلف بر این موضوع تأکید کرده است. برای نمونه در ارتباط با شکل‌گیری حرکت‌های تفرقه‌آمیز و منحرف در شهرهای گنبد، زاهدان و اردبیل در جهت تخریب جایگاه نظام اسلامی و روحانیت، امام خمینی‌ﷺ به برادران اهل‌سنت اطمینان می‌دهد که تمام اقشار کشور اعم از اهل سنت و شیعه به حقوق خود خواهند رسید و هیچ فرقی بین طوایف مسلمین در حقوق سیاسی و اجتماعی و غیر آن نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۶ / ۴۳۰)

همچنین در راستای تحقق امنیت سیاسی اصل ۳۳ قانون اساسی از ممنوعیت تبعید افراد از محل اقامتشان و یا ممانعت از اقامت در محل مورد علاقه و یا اجبار به اقامت در محلی سخن به میان آورده که همه این موارد می‌تواند مصادیقی از تضمین امنیت افراد جامعه باشد. همچنین اصل ۳۸ بر ممنوعیت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شکنجه، گرفتن اقرار و کسب اطلاع به‌عنوان مصادیق دیگرِ تحقق امنیت افراد اذعان دارد. در اصل ۸۷ قانون اساسی نیز بر تضمین امنیت سیاسی نمایندگان مجلس مبنی بر آزادی اظهارنظر و رأی‌شان و ممنوعیت تعقیب آنها به‌دلیل این اظهار نظر و رأی تأکید شده است.

پنج. آزادی‌های سیاسی برابر

آزادی سیاسی برابر اقتضاء می‌کند عموم آحاد جامعه از حقی برابر مبتنی بر آزادی‌های مشروع خود در فرآیندهای سیاسی جامعه برخوردار باشند و مبتنی بر آن نظام سیاسی موظف است هیچ تبعیض و محدودیتی را در این باره روا ندارد. براین اساس یکی از وجوه آزادیِ برابر در عرصه سیاسی اقتضاء می‌کند که عموم آحاد جامعه به جهت برخورداری از شأنی برابر در انسانیت از آزادی بیان برخوردار باشند و در بهره‌مندی از این اصل، موقعیت‌ها و مناصب سیاسی تأثیری منفی از خود برجای نگذارد. این آزادی سیاسی اقتضاء می‌کند عموم آحاد جامعه همچنان‌که در نقد و ارزیابی هم‌نوعان خود آزادند، در نقد و ارزیابی حاکمان و مسئولان سیاسی و عملکرد سیاسی‌شان مبتنی بر اصل برابری نیز آزاد باشند.

آزادی برابر در عرصه سیاست همچنین ضمن برخورداری از آزادی داشتن نظرات و دیدگاه‌های سیاسی، اقتضاء می‌کند همگان در عرصه فعالیت‌های سیاسی، اعم از تشکیل و عضویت در تشکّل‌ها و جریان‌های سیاسی، احزاب، سازمان‌های مردم‌نهاد و تجمّعات سیاسی بنابر اصل آزادی برابر، آزاد باشند و نظام سیاسی نبایستی بر مبنای این شاخص از عدالت سیاسی هیچ‌گونه تبعیض و تمایزی را نسبت به افراد جامعه روا داشته و یا در مسیر تحقق این آزادی‌شان خللی ایجاد کند.

امام خمینی﵀ یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را برای ملت ایران آزادی سیاسی معرفی می‌کند که به موجب آن مردم اعم از زن و مرد در عرصه سیاسی چون حق تعیین سرنوشت خویش، تصمیم‌گیری در مسائل سیاسی، انتقاد از مسئولان، مطالبه خواسته‌ها، تشکیل و شرکت در تجمّعات، آزادی خود را به دست آوردند. (همان، ۸ / ۳۸۴)

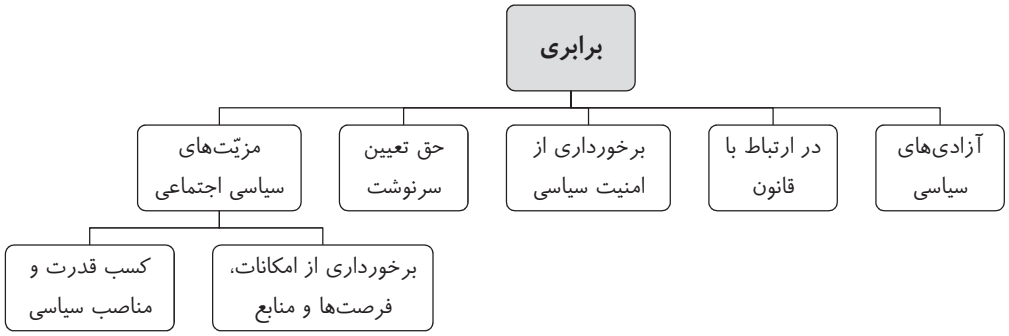
در همین راستا رهبر معظم انقلاب در تشریح ابعاد و مصادیق آزادی سیاسی در نظام اسلامی چنین اشاره می‌کند:

> وقتی گفته می‌شود که در جامعه اسلامی مردم آزادی‌های سیاسی دارند، این بدین‌معناست که ... حق فعالیت سیاسی، انتشار مطبوعات و روزنامه‌ها، ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌ها و احزاب، ایجاد اجتماعات سیاسی، بیان افکار و نظرات سیاسی و خلاصه انتخاب راه سیاسی خود را در جامعه دارا هستند. (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۶/۴/۱۲)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

موضوع آزادی سیاسی سایه گسترده‌ای بر قانون اساسی گسترانده به‌طوری‌که در بند هفتم از اصل سوم این قانون دولت را موظف می‌کند که آزادی‌های سیاسی شهروندان را در محدوده قانون تأمین کند. همچنین در اصل ۲۳ قانون اساسی با پذیرش آزادی عقیده، بر طبق آن تفتیش عقائد ممنوع اعلام شده و از تعرض و مواخذه افراد به صرف داشتن عقیده‌ای نهی شده است. همچنین در راستای آزادی سیاسی، قانون اساسی مطابق با اصل ۲۶ تشکیل و شرکت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و اسلامی مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، آزاد معرفی کرده است. در همین راستا اصل ۲۷ نیز تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را بدون صلاح و مشروط بر آنکه مخل مبانی اسلام نباشد، آزاد اعلام کرده است.



نمودار شماره ۱: ابعاد شاخص برابری در عدالت سیاسی

۲. شاخص شایستگی

شاخص شایستگی در کنار برابری به مفهوم عدالت معنا بخشیده و آن را کامل می‌کند. این شاخص زمانی برجسته می‌شود که ما در ابعاد مختلف جامعه ازقبیل مناصب، منابع، امکانات، فرصت‌ها و منافع به دلایل عقلی چون محدودیت منابع، جلوگیری از اتلاف منابع، بالابردن بهره‌وری و کارآمدی، وجود موانع در میان افراد جامعه در برخورداری از این مزیت‌ها و اموری از این قبیل بایستی از شاخص شایستگی در تحقق عدالت بهره گیریم و پیاده‌سازی مؤلفه برابری در این شرایط عین بی‌عدالتی است. اما با توجه به این دلایل عقلی، اصلی‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود آن است که این مزیّت‌ها بایستی مبتنی بر عدالت سیاسی در اختیار چه افرادی از جامعه قرار گیرد؟ در پاسخ به این سوال شاخص شایستگی در برقراری مطلوب عدالت سیاسی، شایسته‌ترین افراد را بهره‌مند از مزیّت‌های جامعه می‌داند. این همان شاخص مهمی است که شهید مطهری نیز در تحقق عدالت بر آن تأکید کرده و معتقد است که معنای واقعی عدالت این است که امتیازات افراد باید بر مبنای صلاحیت، استحقاق و پیروزی در مسابقه عمل باشد. (مطهری، ۱۴۰۳ ق: ۱۵۲)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

براساس همین اصل حاکم بر عدالت، امام خمینی﵀ پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در طول دوره رهبری‌شان همواره در اعطای مناصب سیاسی و مزیّت‌های اجتماعی مؤلفه شایستگی و فضیلت را مورد توجه قرار داده و در احکام خود به این مهم اشاره می‌کرد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۶۰ و ۲۸۳ و ۱۰ / ۲۸۰) در همین راستا رهبر معظم انقلاب نیز در بیان نسبت میان عدالت و دو مؤلفه برابری و شایستگی با اشاره به نقش مهم مؤلفه شایستگی در کنار برابری به‌عنوان تحقق‌بخش مطلوب عدالت، چنین معتقد است:

> البته عدالت، همه‌جا به‌معنای «برابری» نیست. اشتباه نشود. عدالت یعنی هرچیزی را در جای خود قراردادن. این معنای عدل است. عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی از ساده‌اندیشان و آدم‌های کم عمق وجود دارد. شاید حالا هم خیال کنند که همه جامعه باید برداشت یکسان داشته باشند. خیر! یکی کار بیشتری می‌کند، یکی استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی برطبق حق عمل کردن، و حقِ هر چیز و هرکسی را به او دادن. این معنای عدالت است و برای جامعه لازم است. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران و اقشار مختلف مردم: ۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

نکته مهم در تحقق مؤلفه شایستگی در برپایی عدالت در همه ابعاد آن ازجمله بُعد سیاسی، تعیین معیار شایستگی و فضیلت است که بایستی مبتنی بر سیره عقلاء و عرف جامعه شکل بگیرد. همچنان‌که برخی نیز بر این اعتقادند که اجماع بین‌الاذهانی که از راه بحث‌های عالمانه قابل حصول است، می‌تواند معیار اصلی برای موجّه بودن رویّه‌های عادلانه باشد. (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸ الف: ۳۸۷) بر این اساس تعیین هر مؤلفه‌ای برای شایستگی، بدون رعایت شرط یادشده می‌تواند خود مصداقی از بی‌عدالتی فرض شده و غرض از تحقق مطلوب عدالت سیاسی را ناکام گذارد.

یک. شایستگی در حاکمیت

ابتدایی‌ترین نوع از عدالت در یک نظام سیاسی، عادلانه بودن اصل حاکمیت است. این امر محقق نخواهد شد مگر اینکه حاکم و نظام سیاسی شایستگی حکمرانی بر مردم را داشته باشند؛ چراکه در غیر این صورت چنانچه حاکم با زور و اجبار قدرت را تصاحب کرده باشد و یا اینکه نظام سیاسی درحقیقت شایستگی احراز آن را نداشته باشد، حکومت ظالمانه خواهد بود.

در همین راستا امام خمینی﵀ قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و در پاسخ به سؤال خبرنگاری در پاریس مبنی بر اینکه می‌خواهید چه کسی ایران را رهبری کند؟ به احراز شایستگی رهبر و حاکم نظام

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اسلامی از سوی مردم برحسب ضوابط اسلامی اشاره می‌کند و در این باره معتقد است کسانی باید ایران را رهبری کنند که کاردان و امین و صددرصد مورد اعتماد ملت و متکی به آرای آنها باشند و شایستگی آنها را ملت برحسب ضوابط اسلامی احراز کرده باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۴۴۹) رهبر معظم انقلاب نیز با استناد به کلام حضرت علی‌ﷺ در نهج‌البلاغه منشأ حکومت را ناشی از دو امر مهم مجموعه‌ای از ارزش‌های معنوی و نقش و سهم مردم در حکومت، تحت عنوان بیعت می‌داند. (بیانات رهبری در اولین کنگره نهج‌البلاغه: ۱۳۶۰/۲/۲۹)

ازسویی نبایستی این نکته را از نظر دور داشت که شاخصِ تحققِ شایستگی در حاکمیت با اصل برخورداری از حق برابر همگان در دستیابی به قدرت و حاکمیت در ارتباط بوده و لازمه این رابطه اقتضاء می‌کند این اصل در پیوند با مؤلفه شایستگی موجب شود که در یک شرایط برابر برای همگان در کسب قدرت، شایسته‌ترین فرد قدرت را به‌دست آورد. ازسویی این شایستگی و فضیلت فرد موجب می‌شود که از نظر مردم نیز، او شایستگی احراز این مقام را داشته باشد.

دو. شایستگی در ارتباط با قانون

سخن از شایستگی در ارتباط با قانون ناظر به مقام وضع است و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که وضع قانون به دلایل عقلی برای تحقق عدالت، اقتضاء دخالت مؤلفه شایستگی را داشته باشد. در چنین فضایی شاخص شایستگی و فضیلت نقش خود را بیش‌ازپیش در تحقق عدالت نشان داده و تلاش می‌شود مبتنی بر آن منابع، امکانات و مناصب، در اختیار افراد شایسته قرارگرفته و از این طریق عدالت محقق شود. البته در این شرایط همان‌طورکه در گذشته بیان شد معیار شایستگی در هر موردی متفاوت بوده و این سیره عقلاء است که می‌تواند تبیین‌کننده معیار این شایستگی‌ها در قانون باشد.

در همین راستا در مقام وضع قانون اساسی، قانون‌گذار متوجه مؤلفه شایستگی بوده و در اصل ۱۰۹ به شرایط و معیارهای شایستگی کسب مقام رهبری، در اصل ۱۱۵ به معیارهای شایستگی کسب منصب ریاست جمهوری و در اصل ۱۵۷ نیز قانون‌گذار به مؤلفه شایستگی در تصدی منصب ریاست قوه قضائیه توجه داشته و معیارهای شایستگی تصدی این مقام را بیان کرده است.

سه. شایستگی در برخورداری از مزیّت‌های سیاسی ـ اجتماعی

همچنان‌که بیان شد مزیّت‌های سیاسی ـ اجتماعی ازقبیل امکانات، منابع، فرصت‌ها، منافع، مناصب و قدرت به جهت آنکه نقش و جایگاه هر یک از آنها در عرصه نظام سیاسی متفاوت می‌باشد و ازسویی مبتنی بر این واقعیت که برخی از این مزیّت‌ها از اهمیت به‌مراتب بیشتری در عرصه سیاسی برخوردار هستند، می‌توان شاخص شایستگی را در این عرصه در دو بخش مورد بررسی قرارداد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

الف) شایستگی در کسب قدرت و مناصب

این شاخص از عدالت سیاسی ناظر به نقش توزیعی قدرت و مناصب در یک نظام سیاسی است. بر این اساس یک نظام سیاسی عدالت‌محور می‌بایست مبتنی بر مکانیسم قانون و یا تصمیم‌گیری، قدرت و مناصب سیاسی را برحسب شایستگی توزیع کند. به عبارت دیگر مبتنی بر تحقق شاخص شایستگی در کسب قدرت، بایستی گفت زمانی این شاخص از عدالت سیاسی در حکومت محقق خواهد شد که شایسته‌ترین افراد در منصب‌های سیاسی جامعه به‌کار گرفته شوند و در مقابل با احراز عدم شایستگی صاحب‌منصبان سیاسی امکان عزل فوری و خلع ید آنها فراهم باشد.

امام خمینی﵀ نیز به‌عنوان رهبر نظام اسلامی این شاخص از عدالت سیاسی را مورد توجه قرار داده و مبتنی بر معیار شایستگی برای تصدّی مسئولیت‌ها و مناصب مختلف برخورداری از برخی شایستگی‌ها چون تعهد و خدمت به اسلام (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹ / ۳۶۷) اعتقاد به اسلام (همان، ۱۳ / ۶۵) عدم وابستگی به شرق و غرب، پیروی از احکام اسلام، دلسوز ملت بودن و خدمت‌گذاری به ملت را مورد توجه قرار داده است. (همان، ۱۱ / ۴۸۵ ـ ۴۸۴)

در همین راستا رهبر معظم انقلاب نیز صراحتاً شایستگی را معیار کسب مناصب در نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کند و معتقد است:

> جمهوری اسلامی ... حکومت مردم و شایستگان است. در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله‌مراتب حکومتی، تابع صلاحیت‌هاست. هرکه صلاحیت دارد، باید در میدان‌های فعالیت و تلاش و مسئولیت جلو برود؛ از هر نقطه کشور و از هر قشر اجتماعی باشد. (بیانات رهبری در اجتماع بزرگ مردم جیرفت: ۱۳۸۴/۲/۱۷)

در یک نظام سیاسی عدالت‌محور ضروری است که شایسته‌ترین افراد مناصب سیاسی را به‌دست گرفته و اعطای این مناصب به افراد ناشایست ظلم به همه جامعه تلقی شود. ازاین‌رو یکی از نکات مهم در راستای تحقق مؤلفه شایستگی در عدالت سیاسی وجود مکانیسمی برای عزل و کناره‌گیری افراد ناشایست در نظام سیاسی است؛ چراکه تداوم قدرت افراد ناشایست درواقع یکی از مصادیق حاکمیت ظلم در جامعه بوده که تحقق عدالت را به مخاطره می‌اندازد. این موضوع از دو روش و یا ترکیبی از آن قابل تحقق است.

روش اول طراحی یک مکانیسم دقیق به همراه مؤلفه‌ها و روش‌های اجرایی آن در نظام سیاسی است که راه را برای تداوم قدرت افراد ناشایست ناهموار می‌کند. این روش همان‌طورکه پیداست امری پیچیده و نیازمند توجه به تمامی جوانب موضوع است؛ چراکه یکی از پیچیدگی‌های آن تعیین معیار برای

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

احراز ناشایستگی فرد در تصدی قدرت تفویض‌شده به اوست و این خود معضلات و پیچیدگی‌های متعددی را در پیش روی خود دارد.

براساس روش دوم شرایط محیطی حاکم بر نظام سیاسی باید به‌گونه‌ای سامان داده شود که امکان تداوم قدرت برای فرد ناشایست فراهم نباشد. این روش بیشتر ناظر به ایجاد مکانیسم‌های بازدارنده و کنترل‌کننده غیرمستقیم در نظام سیاسی است که منجر به شکل‌گیری محیطی می‌شود که تداوم تصاحب قدرت را از سوی افراد ناشایست با دشواری‌های زیاد همراه می‌کند. برای مثال می‌توان از تقویت جامعه مدنی و ابزارهای آن ازقبیل رسانه‌ها، مطبوعات، گروه‌های نفوذ و فشار افکار عمومی یاد کرد که می‌تواند در این راستا کمک شایانی به شکل‌دهی چنین فضا و محیطی در نظام سیاسی کند.

ب) شایستگی در برخورداری از امکانات، منابع و فرصت‌ها

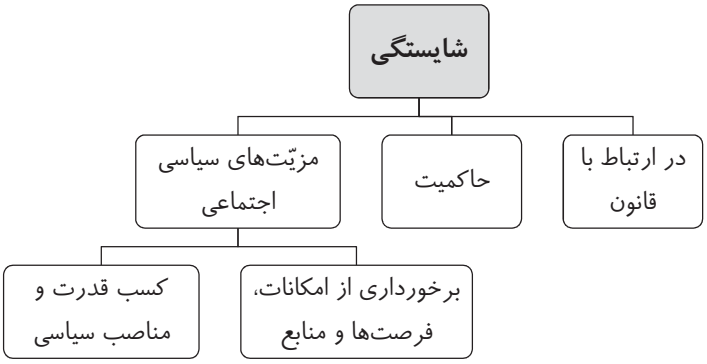
نظام سیاسی بایستی از طریق قانون و تصمیم‌سازی امکانات، منابع و فرصت‌ها را به دلایل عقلی اعم از محدودیت و موانع فردی در اختیار شایسته‌ترین افراد جامعه قرار دهد. تا از این طریق به‌واسطه بهره‌گیری از مؤلفه شایستگی بیشترین بهره‌مندی از امکانات، منابع و فرصت‌ها هم برای فرد و هم برای جامعه حاصل شود.

باتوجه به این شاخص از عدالت سیاسی امام خمینی﵀ برخورداری از فضیلت تقوا و جهاد در راه خدا را به‌عنوان مهمترین ارزش و معیار انتخاب و امتیاز افراد جامعه در برخورداری از امکانات و تصدّی مسئولیت‌ها و اداره کشور دانسته و به همه مسئولان نظام جمهوری اسلامی تذکر می‌دهد که این معیار و فضیلت را جایگزین همه سنت‌ها و امتیازات غلط مادی و نفسانی در تمامی زمان‌ها اعم از جنگ و صلح و امروز و فردا کنند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۳۳۳)

در همین راستا بند نهم از اصل سوم قانون اساسی نیز دولت جمهوری اسلامی را موظف کرده همه توان خود را در جهت ایجاد امکانات عادلانه برای همگان به‌کارگیرد. براساس این اصل، زمانی که سخن از امکانات عادلانه به میان می‌آید مبتنی بر مبانی و شاخص‌های عدالت که بیان آن گذشت، می‌بایست مؤلفه شایستگی و فضیلت در برخورداری آحاد افراد جامعه از امکانات مورد توجه قرار بگیرد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



نمودار شماره ۲: ابعاد شاخص شایستگی در عدالت سیاسی

۳. بیشینه کردن دو شاخص برابری و شایستگی

مفهوم بیشینه کردن درصدد جمع کردن دو شاخصه برابری و شایستگی در شکل‌گیری عدالت سیاسی است، به‌طوری‌که مبتنی بر این راهبرد از طریق مکانیسم‌های تحقق عدالت در جامعه، بیشترین تعداد از شایسته‌ترین افراد جامعه از منابع و مزیّت‌های جامعه برخوردار شوند. این راهبرد زمانی در تحقق مطلوب عدالت سیاسی کاربرد پیدا می‌کند که نه جای تحقق مطلق برابری باشد و نه جای تحقق مطلق شایستگی، بلکه سخن در وضعیتی است که تحقق عدالت در آن با همراهی و بیشینه کردن دو شاخص شایستگی و برابری امکان‌پذیر خواهد بود.

یک. بیشینه کردن مزیّت‌های سیاسی ـ اجتماعی

در شرایطی که مزیّت‌های سیاسی جامعه اعم از امکانات، فرصت‌ها، منافع، منابع و مناصب به دلایل عقلی نمی‌تواند به همه افراد جامعه اختصاص پیدا کند، مبتنی بر راهبرد بیشینه کردن می‌بایست این مزیّت‌ها در اختیار بیشترین تعداد از شایسته‌ترین افراد جامعه قرارگیرد. آنچه مسلّم است اینکه جمع میان دو شاخص برابری و شایستگی در تحقق عدالت سیاسی، زمانی به شکل مطلوب محقق خواهد شد که نظام سیاسی در این شرایط بتواند در ابتدا فرصت برابر را در اختیار همگان در بهره‌مندی از مزیّت‌های سیاسی ـ اجتماعی قرار داده و در ادامه با فراهم کردن مکانیزمی بیشترین افراد شایسته را از مزیّت‌های سیاسی ـ اجتماعی برخوردار کند. عنصر فراگیری در بیشینه کردن مزیّت‌ها به نظام سیاسی کمک می‌کند، احساس عدالت را در میان آحاد جامعه گسترش داده و اهتمام نظام را در تحقق عدالت برای مردم آشکار سازد.

براساس این رویکردِ عدالت‌محور، رهبر معظم انقلاب در تبیین ماهیت عدالت با اشاره به این تفکر که «همه افراد جامعه بایستی برداشت یکسان از ثروت‌های جامعه داشته باشند رد می‌کند و با اشاره به

Archive of SID.ir

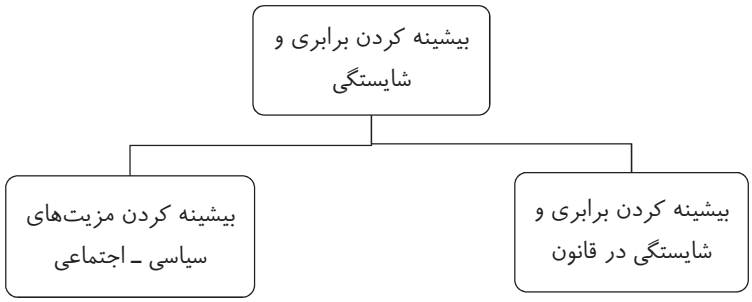
Archive of SID.ir

شایستگی‌هایی چون انجام کار بیشتر، استعداد بیشتر و ارزش بیشتر برای پیشرفت کشور، عدالت را بر طبق حق عمل کردن دانسته و تقسیم ثروت در جامعه را برمبنای دخالت شاخص شایستگی در کنار برابری، درست ارزیابی می‌کند. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران و اقشار مختلف مردم: ۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

دو. بیشینه کردن دو شاخص شایستگی و برابری در قانون

بیشینه کردن قانون که ناظر به مقام وضع قانون است به شرایطی گفته می‌شود که با ویژگی محدودیت مواجه باشیم و قانون اقتضاء برابری مطلق را نداشته باشد. ازاین‌رو در این شرایط بایستی قانونی وضع شود که متوجه بیشترین افراد جامعه به نسبت شایسته‌ترین آنها باشد. جمع این حالت که از طریق مکانیزم سیره عقلاء و در نظرگرفتن عرف جامعه و بدون دخالت منافع شخصی و گروهی محقق می‌شود، قانونی را وضع می‌کند که در پیوند دو شاخص برابری و شایستگی، بیشترین تعداد از شایسته‌ترین افراد جامعه را منتفع کرده و شامل شود.

در دیدگاه امام خمینی‌ﷺ اسلام به قانون، نظر «آلی» دارد، یعنی آن را وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند. از نظر ایشان قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به‌منظور پرورش انسان مهذب است. (موسوی خمینی، بی‌تا: ۷۳) رهبر معظم انقلاب نیز معنای عدل را در جمهوری اسلامی ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر آیه «لیقوم النّاس بالقسط» و قائم به قسط معرفی می‌کند و از مصادیق این عدل‌محوری را قانون عادلانه می‌داند. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران و اقشار مختلف مردم: ۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

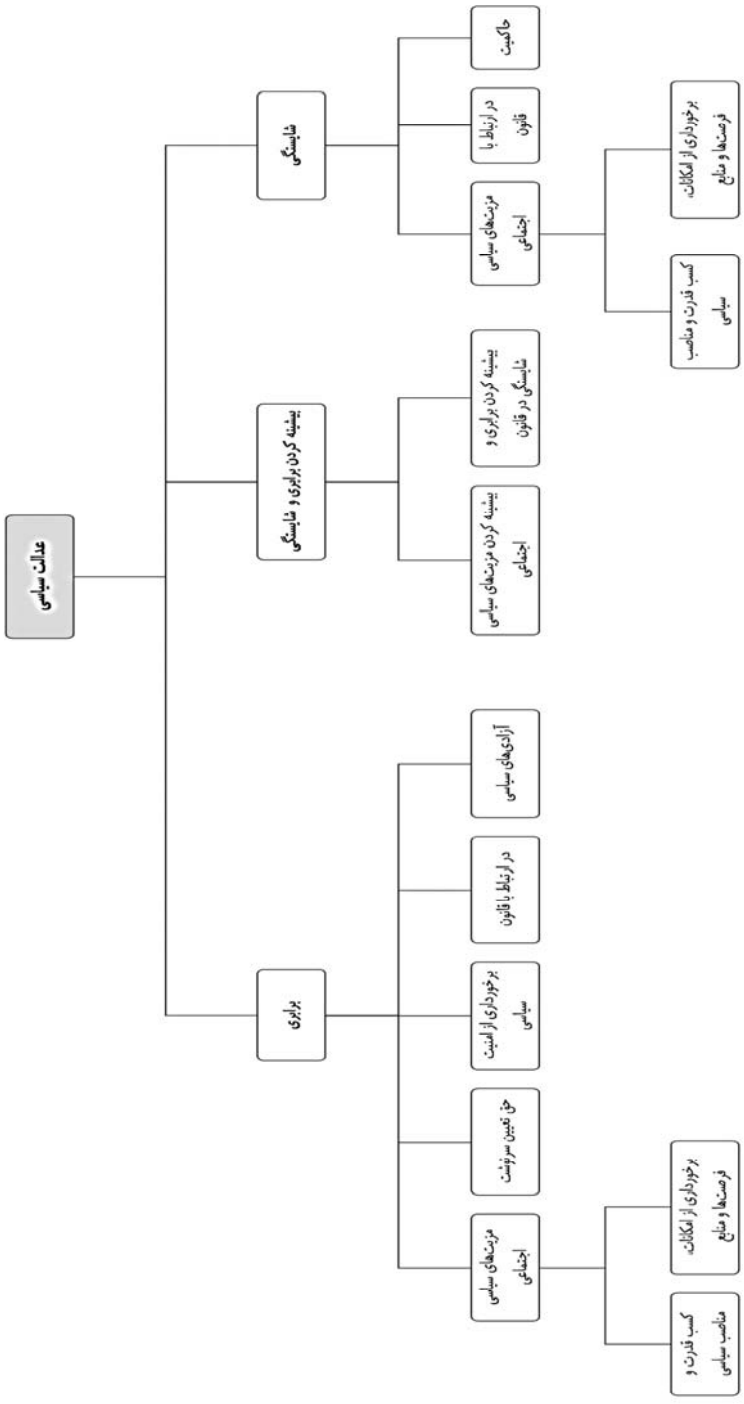


نمودار شماره ۳: ابعاد شاخص بیشینه کردن برابری و شایستگی در عدالت سیاسی

با تبیین ابعاد مختلف شاخص‌های تحققِ مطلوب عدالت سیاسی در سه عرصه برابری، شایستگی و بیشینه کردن آن‌دو می‌توان به شکل کلی الگوی ارائه‌شده از عدالت سیاسی مطلوب را در نمودار زیر نشان داد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



نمودار شماره ٤: الگوی مطلوب عدالت سیاسی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه

جمهوری اسلامی ایران در حوزه بینش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی به‌دنبال تحقق عدالت در همه عرصه‌های آن ازجمله عدالت سیاسی است. این در حالی است که نبود الگوی مطلوب از عدالت سیاسی به‌عنوان مانع و مشکل جدی در مسیر تحقق عدالت سیاسی قلمداد می‌شود. به همین منظور برای پاسخ به این مشکل، پژوهش حاضر در حوزه نگرشی الگویی مطلوب از عدالت سیاسی را مبتنی بر سه شاخص برابری، شایستگی و بیشینه کردن آن‌دو برپایه رهنمودهای امام خمینی﵀ و مقام معظم رهبری و همچنین قانون اساسی ارائه نموده است. براساس این الگو در حوزه کنش رفتاری و ساختاری در نظام جمهوری اسلامی برای تحقق عدالت سیاسی ضروری است در عرصه تعیین حق سرنوشت، این حق برای همه شهروندان به شکلی برابر محترم شمرده شود. همچنین در مزیت‌های سیاسی ـ اجتماعی، عدالت سیاسی اقتضاء می‌کند این مزیت‌ها چه در عرصه مناصب سیاسی و چه در عرصه امکانات، منابع و فرصت‌ها در دسترس همه افراد جامعه قرار بگیرد. همچنین شاخص برابری در تحقق عدالت سیاسی اقتضاء می‌کند اصل برابری همگان در سه مقام وضع، اجراء و نظارت بر قانون رعایت شده و امنیت سیاسی و آزادی‌های سیاسی همه شهروندان جامعه اعم از موافق و مخالف محترم شمرده شود.

عدالت سیاسی در حاکمیت محقق نخواهد شد مگر اینکه حاکم و نظام سیاسی شایستگی حکمرانی بر مردم را داشته باشند؛ چراکه چنانچه حاکم با زور و اجبار، قدرت را تصاحب کرده باشد و یا اینکه نظام سیاسی شایستگی احراز حاکمیت را نداشته باشد، حکومت ظالمانه خواهد بود. همچنین مبتنی بر شاخص شایستگی ناظر بر وضع قانون، قانونی عادلانه است که منابع، امکانات و مناصب را در اختیار افراد شایسته قرار دهد. در همین راستا مزیت‌های سیاسی ـ اجتماعی نیز مبتنی بر دلایل عقلی بایستی در اختیار افراد شایسته قرار بگیرد. اما مبتنی بر بیشینه کردن دو شاخص برابری و شایستگی، عدالت سیاسی در ارتباط با منابع، امکانات، فرصت‌ها و مناصب سیاسی اقتضا می‌کند که بیشترین تعداد از شایسته‌ترین افراد جامعه از آن برخوردار شوند و بدین‌شکل میان دو شاخص برابری و شایستگی جمع شود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابن‌باجه، ۱۹۹۱ م، ***رسائل ابن‌باجه الالهیة***، حققها و قدم لها: ماجد فخری، بیروت، دار النهار للنشر.

۲. ابن‌باجه، ۱۹۶۰ م، ***کتاب النفس***، حققه الدکتور محمدصغیر حسن المعصومی، دمشق، مطبوعات المجمع العلمی العربی.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، ۱٤۳۰ ق، ***الشفاء***، قم، ذوی القربی.

٤. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: http://www.khamenei.ir

٥. توسلی، غلام‌عباس، ۱۳٦۹، ***نظریه‌های جامعه‌شناسی***، تهران، سمت.

٦. سالم، مریم،۱۳۹۲، «علیت ارسطویی یا تبیین ارسطویی»، ***معرفت فلسفی***، سال ۱۱، ش ۱، ص ۱۰٤ ـ ۸٥

۷. سید رضی، ۱۳۸٥، ***نهج‌البلاغه***، ترجمه محمد دشتی، قم، ناصر.

۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۱ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۹. علیخانی، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۸۸ الف، ***درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام***، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۰. علیخانی، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۸۸ ب، ***درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام***، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۱. علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۲، ***عدالت در نگرش و روش امام علی***ﷺ، پایان‌نامه دکتری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۲. فارابی، ابونصر محمد، ۱۹٦۱ م، ***فصول المدنی***، تحقیق م. دنلوپ، لندن، کمبریج.

۱۳. فارابی، ابونصر محمد، ۱۹۸٦ م، ***فصول منتزعه***، علق علیه فوزی متری نجار، بیروت، دار المشرق.

۱٤. ***قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران***، ۱۳۹۹، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.

۱٥. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰۳ ق، ***بحار الانوار***، بیروت، مؤسسة الوفاء.

۱٦. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، ***عدل الهی***، تهران، صدرا.

۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، ***اسلام و مقتضیات زمان***، تهران، صدرا.

۱۸. مطهری، مرتضی، ۱٤۰۳ ق، ***بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی***، تهران، حکمت.

۱۹. مگی، بریان، ۱۳۹۰، ***فلاسفه بزرگ: آشنایی با فلسفه غرب***، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی.

۲۰. ملکشاهی، حسن، ۱۳۸٥، ***ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات***، تهران، سروش.

۲۱. مندراس، هانری، ۱۳٤۹، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ترجمه باقر پرهام، تهران، امیرکبیر.

۲۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، ***صحیفه امام***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀.

۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله، بی‌تا، ***ولایت فقیه***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀.

۲٤. نائینی، محمدحسین، ۱۳٦۱، ***تنبیه الامة و تنزیه الملة***، تهران، شرکت سهامی انتشار.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

25. Aristotle, 1973, ***Ethics (The Nicomachean Ethics Translated)***, Tr. By J. A. K. Thomason, Penguin,
26. Rawls, Jon, 1999, ***A Theory of Justice***, Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts.

Archive of SID.ir